

و جواب اشکال ثانی آنست که آن بر سبیل حکایت است چنانکه
 اینجی بادشاهی می گوید که ما فلان ملک را فتح کردیم و فلان قلعه
 بر هم زدیم و در حقیقت این معنی را جمع است بادشاهی و اینجی حکایت
 از جای میست و نیز می تواند بود که لایق و می بر حضرت عیسی علیه السلام
 معانی بوده است در لوح نفس ایشان از قبل عالم اعلی نه مثل
 حضرت جبرئیل بعورت بشریه و القاه کلام پس بسبب این
 انطباق کلامی از حضرت ایشان جاری می شد که مشعر نسبت
 آن افعال نمود باشد و الحقیقه غیر حقیقه با جمله ضمایمی
 در این مذمت باطل فرموده و بیان نموده عیسی بنده خدا
 و روح پاک می که در رحم جبرئیل صلیف نوح گرد آورده و روح القدس
 تا میزداد و صفات خاص در باره او می داشت با جمله که
 بالقرین خداست و قیاد و کون روحی که از جنس سایر ارواح
 است بر آمده باشد و توحید به بشری کرده بود چون این است

بدر

می کند که تا فیم لفظ اتحاد برین معنی جاری باشد نسبت محو و انجی
 باین معنی نفی و مثل آن بود تعالی عما یقول الظالمون علوا
 کبیرا اگر خواهی که نمونه آن ازین ذوقی ملاحظه کنی از نور اولاد
 مشایخ و اولیاد را تماشا کن که در حق ابایی خود چه طنون دارند
 و با کجا کشیده برده اند و می علم اللین ظلموا الی غیره بقلین
 و نیز از ضلالت ایشان یکی آنست که جرم میکنند که حضرت
 عیسی علیه السلام مقول شده است ذنی الواقع در قصه عیسی است
 و واقع شده بود در رفع بر آسمان از قبل همان گردید و کابوس
 همان غلط را از وایت نمودند خدای تعالی در قرآن شریف
 از آنکه شبیه فرموده که ما قتلوه و ما صلبوه و لکن شبیه بهم در انجیل
 آنچه مقوله حضرت عیسی ازین باب مذکور است معنی آنست
 به تجارت بود و اذله ایشان بر قتل بر چند طایفه تا از این
 همگانه سخنانی میسر کرده آنچه مقوله حواریان است منشی آن